

## احیاء سوزی در اندلس

دکتر حبیب‌الله عباسی\*

در سرزمینی که کتاب سوزانیده شود،  
به تبع آن انسان نیز هم.  
هاینیش هاینه

### چکیده

یکی از صداهای مانا در سپهر جهان اسلام و سپهر جهان امروز که از اواخر سده پنجم هجری طنین‌انداز شد و از همان زمان مخالفان و موافقانی در قلمرو گسترده جهان اسلام از کاشغر تا اندلس داشت، صدای امام محمد غزالی به‌ویژه در *احیاء علوم دین* است. نخستین واکنش منفی به صدای ماندگار غزالی که در *احیاء سوزی* تبلور یافت، در شهر قرطبه اندلس به روزگار حکمرانی مرابطین در اوایل سده ششم هجری در زمان حیات وی صورت گرفت. در جستار حاضر همین پدیده شنیع را با روش تحلیلی - توصیفی بررسی‌دیدیم؛ البته با رویکردی تبارشناسانه و نشان دادیم این همه یکی از جلوه‌های بارز «تصلب سنت و زوال اندیشه» است که زائیدهٔ تعصبات فرقه‌ای و مذهبی بوده و موجب زوال شکوه و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی شده است که پیش‌تر عصر زرین خوانده شده بود و مقدمات ویرانی کامل تمدن درخشان اسلامی را از رهگذر ایلغار ددمنشانه مغول فراهم کرد.

**کلیدواژه:** غزالی، *احیاء علوم دین*، اندلس، کتاب سوزی.

\*. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم - خوارزمی. (habibabbasi45@yahoo.com)

## مقدمه

از سده سوم هجری قمری که فرهنگ و تمدن جهان اسلام با تمدن‌های پیرامون خویش اعم از تمدن یونان، ایران، مصر و هند تعامل پویا پیدا کرد و بیت‌الحکمه مأمون در بغداد مرکز چنین تعاملاتی شد، روی به بالندگی و زاینده‌گی نهاد. کتاب *الفهرست* ابن ندیم تا حدودی بیانگر چنین وضعیت شگفت فرهنگ است که تنها پس از رنسانس می‌توان نشان این پدیده شگرف را در اروپا جست.

در چنین دوره‌ای دیگر از خواب، خرافه و جهل چندان خبری نیست. فرهنگ و تمدن در سپهر جهان اسلام چندان می‌بالد و به تعبیر شفیعی کدکنی «ساختار ساختارها»<sup>۱</sup> در آن اوج می‌گیرد و مدار حرکت جامعه اسلامی حول محور خرد و عقلانیت چندان می‌چرخد که مقدمات نوزایی و امانیسم اسلامی فراهم می‌شود و چنان تمدن درخشانی خلق می‌شود که برخی آن را «عصر زرین» و برخی هم «رنسانس اسلامی» می‌خوانند.<sup>۲</sup> یکی از رهاوردهای مهم عصر زرین اسلامی پدید آمدن جامعه‌ای «چند صدایی»<sup>۳</sup> است. جامعه‌ای با چندان قلمرو گسترده و فراخ که از کاشغر چین تا اندلس اسپانیا امتداد می‌یابد. در

---

۱. برای تعبیر «ساختار ساختارها» ر.ک: محمدرضا شفیعی کدکنی، *مجله داشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم*، سال ۱۷ (پاییز ۱۳۸۸)، ش ۶۵، ص ۱۴-۷.

و هموارستاختار کلمات، تهران سخن، ۱۳۹۱، ص ۲۶۴-۲۵۵.

۲. در این باره ر.ک: آدام متز، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۹؛ جوئل ل. کرمر، *انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

۳. عبدالحسین زرین کوب، «فرهنگ چند صدایی و فرهنگ تک آوایی»، *مجله بخارا*، ش ۱، مرداد ۱۳۷۷.

چنین جهان فراخی صداهای متکثر، متعدد و متفاوتی مانند ابوریحان بیرونی، فارابی، رازی، غزالی و... طنین انداز می‌شود که هنوز می‌توان صدای آنان را از دیواره‌ی زمان شنید.

یکی از صداهای مانا در سپهر جهان اسلام و سپهر جهان امروز که از اواخر سده پنجم هجری طنین انداز شد و از همان زمان مخالفان و موافقانی در قلمرو گسترده‌ی جهان اسلام که از کاشغر تا اندلس امتداد داشت، پیدا کرد و هنوز هم صدای او در جهان امروز انعکاس دارد. چنان که در روزگار کنونی پژوهش‌های صدای امام محمد غزالی به‌ویژه در *احیاء علوم دین* را می‌توان از راه‌های مختلف شنید، از جمله از رهگذر گفتار و نوشتار مولوی پژوه ایرانی عبدالکریم سروش و نیز در *رمان دو سال و هشت ماه و بیست و هشت روز نویسنده بریتانیایی در کنار ابن رشد شنید*.

شاید بتوان نخستین واکنش منفی به صدای ماندگار غزالی را که در *احیاء علوم دین سوزی تیلور* یافت در شهر قرطبه اندلس به روزگار حکمرانی مرابطین در اوایل سده ششم هجری در زمان حیات غزالی سراغ گرفت. از قضا این دولت مستعجل به پایندانی ابن‌العربی‌المعافری و حمایت دینی غزالی توسط یوسف بن تاشفین در قرطبه تأسیس شد و چند دهه بعد به همت موحدین منقرض شد.

در جستار حاضر در صدد هستیم تا پدیده‌ی شوم و شنیع کتاب‌سوزی در جهان اسلام و به‌ویژه احیاء سوزی در اندلس را واکاویم و نشان دهیم که این همه یکی از جلوه‌های بارز «تصلب سنت و زوال اندیشه» است که زائیده‌ی تعصبات فرقه‌ای و مذهبی بوده و موجب زوال شکوه و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی شده است که پیش‌تر عصر زرین خوانده شده بود و مقدمات ویرانی کامل تمدن درخشان اسلامی را از رهگذر ایلغار ددمنشانه مغول فراهم کرد.

### ۱. پیشینه تحقیق

درباره‌ی پدیده‌ی شگرف کتاب‌سوزی، کتاب‌ها و مقالات چندی به زبان‌های مختلف به ویژه عربی نوشته و ترجمه شده است. از جمله:

### کتاب‌هایی در آتش تألیف لوسین پلاسترون

در اواخر سال ۲۰۰۴ م. کتابی با عنوان کتاب‌هایی که سوزانده می‌شوند، تاریخ ویرانی کتابخانه‌ها، در شهر پاریس به همت انتشارات دونویل<sup>۱</sup> منتشر شد و شش سال بعد این کتاب تحت عنوان کتب تحترق؛ تاریخ تدمیرالمکتبات توسط هاشم صالح و محمد مخلوف به زبان عربی ترجمه و در سال ۲۰۱۰ در دوحه به همت وزارت فرهنگ و هنر قطر منتشر شد.

نویسنده این کتاب شگرف و ارزنده، لوسین پلاسترون (lucian polastron) فرانسوی تبار است. این نویسنده به دو زبان شرقی: چینی و عربی مسلط است. تخصص اصلی او تاریخ هنر، به‌ویژه هنر خط است. تاکنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری از وی در حوزه کتاب و خط، مانند کتاب برگ‌ها؛ ۲۰۰۰ سال تاریخ منتشر شده است. او در این کتاب و در مقالات مختلف از جمله مقاله ۱۹ مارس ۲۰۰۴ مجله لوبون فرانسه از تاریخ مستمر نابودی کتابخانه‌ها از قدیم‌ترین ازمنه تا زمان حاضر بحث کرده است. مؤلف در این کتاب که حکم دایرةالمعارفی فراگیر برای تاریخ کتابخانه‌ها از روزگاران غبارآلود تا عصر دیجیتال دارد، سیر تاریخی کتاب‌سوزان‌ها و ویرانی کتابخانه‌ها را از قدیم‌ترین زمان یعنی حدود ۱۴ سده قبل از میلاد مسیح تا سال‌های اخیر در بوسنی، افغانستان و عراق تصویر کرده است. کتاب شامل یک مقدمه و ۱۲ فصل و دو پیوست است. (آدوینس، ۲۰۰۵، ص ۲۶۸)

۱. حرق الکتب فی التراث العربی کتاب‌سوزی در میراث عربی نوشته ناصر الحزیمی. نویسنده در این کتاب حوادث و اخبار نابودی کتاب‌ها را در میراث عربی به دو دسته تقسیم می‌کند: نخست نابودی کتاب توسط قدرت و دو دیگر نابودی کتاب توسط افراد به دلیل علمی یا اعتقادی یا روانی که در هر یک از این کتاب‌ها اشارتی اجمالی به امر کتاب‌سوزی در اندلس و به خصوص سوزاندن احیاء علوم‌الدین به اختصار تمام اشاره شده است.

1. Livres en Feu. Histoire de la destruction sans Fin des bibliotheques. Lucien X. Polastron. Paris: Denoel 2004.

هم چنین در دو مقاله یکی به زبان عربی و دیگری به زبان فارسی که درباره مواجهه اندلسی ها با امام محمد غزالی و *احیاء علوم دین* نوشته شده به این مهم اشاراتی اجمالی شده:

۱. «*احیاء علوم الدین فی منظور الغرب الاسلامی ایام المرابطين و الموحدین*» نوشته محمد المنونی چاپ شده در جشن نامه غزالی تحت عنوان ندوة ابو حامد الغزالی دراسات فی فکرة و عصره و تاثیرہ. منشورات کلیة الآداب و العلوم الانسانیة بالرباط جامعة محمد الخامس، سنه ۱۹۸۸.
۲. «*رویارویی دانشمندان مغرب و اندلس با غزالی و کتاب احیاء علوم الدین*» نوشته علیرضا روحی و علی غفرانی، در فصل نامه *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، بهار و تابستان ۱۳۹۵-۱۵۳-۱۲۵.

## ۲. روش تحقیق

در جستار حاضر ابتدا با تکیه بر منابع و مآخذ قدیم و جدید، پدیده شگرف کتاب سوزی در تاریخ جهان را کاویدیم و پس از آن منابع قدیم و جدید مربوط به احیاء سوزی را با روش تحلیلی - توصیفی بررسی کردیم، البته با رویکردی تبارشناسانه. از همین رو پیش از ورود به بحث اصلی، تاریخچه پدیده شوم کتاب سوزی را با تکیه بر کتاب پلسترن به اختصار بررسی کردیم و نشان دادیم که همزاد واقعی انسان همانند خود انسان در ادوار متعدد تاریخ و در مکان های مختلف مورد جور جفا بوده و هست.

## ۳. پدیده شگرف کتاب سوزی

پدیده نشر کتاب نه تنها در زمان حاضر که از گذشته های دور - یعنی از همان زمان که به تعبیر زنده یاد اخوان ثالث: «آن پدر جدم اندر اخم جنگلی یا خمیازه کوهی روز و شب می کشت یا می خفت» با بلیه حریق همراه بوده است و به تبع آن با مصیبت انسان سوزی.

برابر پژوهش دقیق و عالمانه پلسترن تقریباً تاریخ ویران کردن کتابخانه‌ها از مصر باستان و ۱۴ سده پیش از میلاد مسیح و با اختاتون<sup>۱</sup> آغاز شد. او وقتی در طیبه<sup>۲</sup> به قدرت رسید، متون قدیمی را به انگیزه‌های کاملاً سیاسی نابود کرد و مرکز حکومت خود را از آن شهر به عمارنه منتقل کرد و در آن جا کتابخانه‌ای جدید و خاص خویش را بنا کرد؛ اما وقتی در گذشت، کاهنان نیز از سر کین خواهی و به تلافی کردار او، آن کتابخانه را نابود کردند.<sup>۳</sup> (بولاسترون، ۲۰۱۰، ص ۲۷-۳۰)

این مورخ در ادامه از ویران‌گری دیگری در تاریخ بشر سخن می‌گوید و آن نابودی کتابخانه آشوریه آشورپانی پال<sup>۴</sup> است که ۶۳۵ سال پیش از میلاد در گذشت. پس از ۲۵ سده، در سال ۱۸۶۰م. باستان‌شناسان بریتانیایی، بقایای این کتابخانه را ضمن حفاری‌های خود در منطقه بین‌النهرین پیدا کردند، آنان در بدو امر، این الواح و کتیبه‌های گلی را عروسک‌ها و ابزارهای زینتی می‌پنداشتند. بخش‌هایی از آن‌ها را فروختند و بخش‌هایی را به موزه بریتانیا منتقل کردند؛ اما دیری نگذشت که متخصصان در میان این الواح بی‌نظیر و ارزنده حماسه گیلگمش<sup>۵</sup> و افسانه تیامت<sup>۶</sup>، سروده‌ای در وصف آفرینش انسان نخستین و جهان، را یافتند و دریافتند که شخص آشورپانی پال این الواح را جمع‌آوری می‌کرده است. هم‌چنین به موزه فلاولفیا اشاره می‌کند که لوح بسیار ارزنده در آن نگهداری

۱. اختاتون، آمینوفیس Amenopns یا امنوتپ نام چهار فرعون مصر بود. اختاتون چهارم در فاصله سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۵۴ ق.م. می‌زیست. اصلاحگر دینی‌ای که عبادت آتون را جای‌گزین عبادت آمون کرد.

۲. Thebais نام قدیم مصر علیا بود.

۳. سعد عبدالمطلب العدل در یکی از کتاب‌های خود کاملاً به این آتش‌سوزی پرداخته و به تفصیل در باب آن بحث کرده است. ر.ک: *اختاتون ابو الانبیاء القاهره: مکتبه مدبولی*، ۲۰۰۸، ص ۱۹.

۴. آشورپانی پال حاکم آشوری در فاصله سال‌های ۶۶۹-۶۲۶ ق.م.

۵. حماسه گیلگمش، سروده آشوری - بابلی شامل ۴۵۰ و ۳ بیت حدود سال ۲۰۰۰ ق.م. در دوازده لوحه بزرگ در کتابخانه آشور پانی پال در نینوا بوده است.

۶. افسانه تیامت، اشعاری در وصف آفرینش جهان و نخستین مادر و پدر عالم.

می‌شود، این لوح شامل ۶۲ عنوان اثر ادبی با قدمت ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد است. (همان، ص ۳۰-۳۴)

چنان‌که گذشت مصریان کهن در عرصه ساختن کتابخانه بسیار توانا بوده‌اند و کتابخانه‌های بسیار غنی در قلمرو خود داشته‌اند، که در قرن ششم قبل از میلاد، فلاسفه یونان از جمله افلاطون و فیثاغورث به کرات جهت دیدار از این کتابخانه‌ها به مصر می‌آمده‌اند. در آثار یونانی هرگز از وجود چنین کتابخانه‌هایی ذکری به میان نیامده‌است. از این رو است که برخی با بدبینی تمام مدعی شده‌اند که یونانیان دو حماسه/یلیاد و ادیسه را از مصر ربوده‌اند.

هم چنین پلسترن از کتابخانه اسکندریه بزرگ یاد می‌کند که در عهد بطالمه<sup>۱</sup> بنا شد. نخستین حاکم این سلسله، هم مناره اسکندریه را که از عجایب هفتگانه جهان است، بنا نهاد و هم کتابخانه این شهر را با نام «فردوس معرفت». بطلمیوس اغلب خردمندان جهان را به دیدار از اسکندریه دعوت و تشویق می‌کرد و غذا، مسکن و مستمیری نیز برای آنان تعیین می‌نمود. این کتابخانه در آغاز دارای حدود ۲۰ هزار جلد کتاب نفیس بود که بعضی از آنها دارای چندین جزء بودند. آورده‌اند که کلئوپاترا<sup>۲</sup> پیوسته از این کتابخانه دیدار می‌کرد؛ اما وقتی رومی‌ها در عهد قیصر برای کمک بدو برابر برادرش، بطلمیوس سیزدهم به این سرزمین وارد شدند، ویرانی‌های بسیاری به بار آوردند، از مناره شهر گرفته تا سوزاندن بندرگاه. در ادامه، این کتابخانه را در سال ۴۸ ق.م. ویران کردند. شمار کتاب‌های آن را در زمان خرابی حدود یک میلیون و چهل هزار کتاب نوشته‌اند؛ البته شماری از این کتاب‌ها بعد از حمله اسکندر، از ایران به یغما رفته بود. می‌گویند قیصر می‌خواست

۱. بطالمه یا بطالسه سلسله بطلمیوسیان است که پس از اسکندر توسط بطلمیوس اول در مصر تأسیس شد و افراد آن از ۳۰۹ تا ۳۰ ق.م سلطنت می‌کردند. بطلمیوس سیزدهم موسوم به دیونیوسوس اول و پدر کلئوپاترا و در فاصله سال‌های ۸۰-۵۲ ق.م پادشاه مصر بود.

۲. کلئوپاترا نام هفت تن از ملکه‌های مصر و معروف‌ترین آنها کلئوپاترای هفتم بود. او با زیبایی خود قیصر را شفیته خود کرده بود. در فاصله سال‌های ۵۱ تا ۳۰ ق.م حکومت می‌کرد.

کتابخانه‌ای نظیر آن در رم بنا کند؛ اما هرگز به این مهم دست نیافت. مدت‌ها بعد از این جنگ، مجدداً این کتابخانه ترمیم و به نام کتابخانه مادر مشهور شد. (همان، ص ۷۵-۳۵)

در ادامه، از قضیه کتاب‌سوزی در چین سخن رفته است. این اتفاق نامبارک از سال ۲۱۳ ق.م. آغاز شد و عملی کاملاً سیاسی بود، زیرا امپراتور «چان» به بهانه وحدت چین و تحت تأثیر اندیشه‌های وزیر خود، لی سی بود. او که «بازگشت به گذشته را نشانه ضعف» می‌دانست و معتقد بود که باید گذشته را محو کرد. این امپراتور تاریخ چین به ویژه عصر طلایی فلسفه چین را از کنفوسیوس<sup>۱</sup> گرفته تا لائوتسه<sup>۲</sup> نابود کرد. البته به همین بسنده نکرد؛ بلکه وقتی با واکنش فرزندانگ روبرو شد، دستور داد تا همه آنان را، حدود ۴۰۰ نفر، زنده به گور کنند؛ لذا مردم از بیم امپراتور، به دست خویش کتاب‌هایشان را سوزانیدند. (همان، ص ۸۷-۸۰)

مؤلف کتاب با سخنی در باره خلیفه دوم مسلمانان، عمر که در اعتلا و عظمت اسلام بسیار کوشید، به بررسی سرنوشت کتاب و کتابخانه بعد از اسلام می‌پردازد. او می‌نویسد که سهم کتاب و کتابخانه‌ها در اعتلا و گسترش اسلام به مراتب بیش از شمشیر غازیان و به ویژه عمر بود. در قلمرو اسلام، سه نظام سیاسی مختلف دور از هم از لحاظ جغرافیایی و قریب به هم از لحاظ زمانی بر پا شد که به مثابه کانون کاوش‌های علمی بودند: عباسیان در بغداد؛ فاطمی‌ها در قاهره و اموی‌ها در قرطبه. در بغداد عصر عباسی، مأمون بیت الحکمه را تأسیس کرد که مرکز دیدار فلسفه و دین بود؛ اما در دوره فترت این مکان به خزانه مأمون تبدیل و کتاب‌های بسیاری در آن تلف شد. از همین رو است که طبری از نابودی کتاب‌ها و سانسور آنها شکوه می‌کند.

فاطمیان در شهر قاهره کتابخانه‌ای بسیار غنی ساخته بودند که توسط صلاح‌الدین ایوبی نابود شد، وقتی دستور داد که کتاب‌های آن را در حمام‌ها و اجاق مطبخ‌خانه‌ها بسوزاند.

۱. کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ ق.م) فیلسوف اخلاقی سیاستمدار، مربی و بنیانگذار ادبیات چینی.

۲. لائوتسه (حدود ۶۰۰ تا ۵۳۱ ق.م) حکیم بزرگ چینی و بنیانگذار آیین تائوئیسم.



حاکمان اموی در اسپانیا، کتابخانه‌ای ارزنده به نام کتابخانه منصوریه در قرطبه در قرن دهم میلادی بنا کرده بودند. این کتابخانه نیز طعمه حریق تعصب‌های نژادی شد.

در عصر میانه از بغداد تا قاهره، چهار کتابخانه بزرگ بود، که دو تای آنها از آن یهودیان: طیب افرایم و یعقوب ابن کلس بود و دو کتابخانه دیگر، یکی از آن شاعر پزشک و مؤلف کتابی در باره ارسطو و دیگری از آن حاکم فاطمی، مجدالدوله ابن فاتک بود.

هلاکوی بودایی مغول و لشکر او وقتی به ایران و عراق یورش آوردند، هم بناهای فرهنگی، درمانی، آموزشی شهرها را از جمله بغداد نابود کردند. او دستور داد تا کتاب‌ها را در رودخانه دجله افکندند، چندان که برای مدت‌ها آب رودخانه سیاه شد. هلاکو با طرح پرسش، کدام حاکم از میان دو حاکم ظالم مسلمان و حاکم عادل غیرمسلمان برتر است؟ بسیاری از دانشمندان را از زیر تیغ گذرانید.

تیمور لنگ و نیروهای او در سال ۱۴۰۱م. در دمشق فعلی شنیع‌تر از افعال لشکر مغول در بغداد، انجام دادند، هیچ انسان، کتاب و گلدسته‌ای در شهر بر جای ن نهادند و چنان ویرانی در قلمرو عربی پدید آوردند که تا مدت‌ها بعد جهان عرب از هر نوع حرکت علمی خالی شد. (همان، ص ۱۳۸-۹۱)

در تهاجم صلیبیان متوحش به قسطنطنیه در سال ۱۲۰۴م. کتاب‌های بسیار زیادی بر سر نیزه شد و کتابخانه بزرگ آن زمان جهان که شامل آثار بسیار زیاد ادبیات یونانی بود، نابود شد.<sup>۱</sup> «دادگاه‌های تفتیش عقاید» اسپانیا، کتاب‌های عربی و یهودی بسیاری را طعمه حریق کرد و با طرد یهود و عرب زمینه‌ساز تعصب نژادی و صادرکننده آن به همه جهان شد و پس از همین جریان بود که تمام کتاب‌های تمدن آرتیک و مایا<sup>۲</sup> در امریکای لاتین

۱. برای روایت تاریخی کتاب سوزی‌های جهان عرب ر.ک: ناصر الخزیمی، حرق الکتب فی تراث العربی، منشورات الجمل.

۲. آرتیک و مایا تمدن کهن مکزیک.

نابود شد و لاس کازاس<sup>۱</sup> به این ویرانگری افتخار می‌کرد، وقتی می‌گفت: «من به نابودی تمام کتاب‌ها مباحث می‌کنم». (همان، ص ۲۰۰-۱۵۰)

در بخش پایانی کتاب از ویران‌سازی کتابخانه در عصر جدید سخن رانده است. او این گفتهٔ امریکایی‌ها که انفجار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را انفجار بی‌سابقه‌ای روی زمین می‌دانند، خطا می‌داند؛ چه هجوم بریتانیا در ۲۴ آگوست ۱۸۱۴ به شهر کاپیتسول که حدود ۳۰۰۰ کتاب در طی آن سوخت و نیز حریق شهر مسکو در سپتامبر سال ۱۸۱۲م فجیع‌تر از آن می‌داند.

بی‌شک تکنولوژی جنگی جدید هم قواعد بازی را دگرگون کرد و هم کتاب‌ها را در موقعیت جنگی خطرناکی قرار داد. طی انقلاب فرانسه، در قرن نوزدهم چندین میلیون کتاب نابود شد، انقلابیون از برگ‌های این کتاب‌ها به عنوان گلوله توپ بهره می‌گرفتند، در قضیه کمون پاریس هم کتابخانه‌های بزرگی چون کتابخانه لوور به آتش کشیده شد، در امان ماندن کتابخانه ملی پاریس یک استثنا بود. ضمن جنگ روسیه با سپاهیان ناپلئون نیز خسارات بسیاری به روسیه رسید، از جمله در شب ۲۴ آگوست سال ۱۸۷۰ کتابخانه ۴۰۰ هزار جلدی شهر استراسبورگ طی بمباران وحشتناکی طعمه حریق شد.

طی دو جنگ جهانی خسارت‌های زیادی بر کشورهای درگیر و کشورهای بی‌طرف وارد شد. در ژاپن در خلال جنگ جهانی دوم کتابخانه‌های بسیاری زیر بمباران هوایی نابود شد، از جمله در یک ساعت حدود ۲۳۰ هزار جلد کتاب از کتابخانه عمومی شهر توکیو و ۶۹ هزار کتاب در ساختمان وزارت امور خارجه و صد هزار کتاب در کتابخانه‌های دیگر بر باد رفت.

بمب‌های انگلیسی و امریکایی ظرف دو روز ۱۳ و ۱۵ نوامبر ۱۹۴۵ بیش از سی و پنج هزار انسان را در شهر درسدن آلمان کشت و خدا می‌داند که در این میان چه تعداد کتاب نابود شد. در کشور ایتالیا نیز ضمن این جنگ، حدود دو میلیون کتاب به اضافه ۳۹ هزار نسخه خطی نابود شد و کتابخانه آکادمی علوم و ادبیات در فلورانس تا ۱۹۴۴ کاملاً نابود

۱. لاس کازاس، کشیش اسپانیایی (۱۵۶۶-۱۴۷۴).

شد. در خلال ماه‌های دسامبر ۱۹۴۰ حدود ۲۰ میلیون کتاب در کتاب‌خانه‌های مختلف لندن نابود شد. البته پیشتر، به سال ۱۶۶۶ در آتش‌سوزی بزرگ پایتخت، آثار بسیاری از میان رفته بود. در طی جنگ جهانی دوم حتی کشورهای بی‌طرفی مثل بلژیک هم از این حوادث جان سالم بدر نبردند، جز کتابخانه سلطنتی این کشور بقیه کتابخانه‌ها نابود و بیشتر آثار این کتابخانه‌ها ناپدید شد. (همان، ص ۳۱۵-۲۰۱)

با عنایت به آن‌چه گذشت می‌توان گفت کشتار گاه‌های کتاب در طول تاریخ از جهات مختلف با کشتار گاه‌های انسان برابر است و جریان زندگی کتاب همانند جریان زندگی بشر است چه به تعبیر هاینه<sup>۱</sup> هر وقت کتابی به آتش کشیده می‌شود، انسانی نیز سوزانیده می‌شود. (آدونیس، ۲۰۰۸، ص ۲۷۱) این کتاب تصویری روشن است از تاریخ وحشت‌انگیز کشتار دو همزاد. انسان تقریباً به‌طور هم‌زمان به کشتن این دو همزاد اقدام کرده است: نابود کردن کتاب و نابود کردن خویش از رهگذر نابودی کتاب. عامل اصلی همه این کتاب‌سوزان‌ها یعنی انسان‌سوزی‌ها، چیزی جز وحدت دین، اندیشه و سیاست نبوده است.

#### ۴. احیاء سوزی اندلسی

کتاب سوزی در منطقه اندلس بیشتر زاینده تعصب و تصلب میان فرقه‌های مذهبی جهان اسلام و مسیحیان با مسلمانان بوده است. پیش از آنکه مسلمانان توسط مسیحیان از اندلس رانده و جلای وطن شوند و آن اتفاق هولناک، یعنی کتاب‌سوزی در آن منطقه روی دهد که طی آن کتاب‌های بسیاری طعمه حریق شد و تنها معدود کتابی از آن حریق مصون ماند، همان اتفاقی که نویسنده بریتانیایی آسیایی تبار، طارق علی در رمان مشهورش: زیر سایه‌های درخت انار به تفصیل تمام به آن اشاره کرده است.<sup>۲</sup> در اوایل سده ششم هجری

۱. هاینریش هاینه، (۱۷۹۷-۱۸۵۶) شاعر و رساله‌نویس آلمانی.

۲. علی، طارق (۲۰۱۱) *ظلال شجره الرمان*، ترجمه محمد عبدالنبی، القاها: الکتب خان للنشر و التوزیع، ص: ۱۶-۱۱.

قمری همین روزگار سیطرهٔ مرابطين بر اندلس و غلبهٔ فقه مالکی در آن دیار به دلایلی ایدئولوژیک کتاب گران‌سنگی چون *احیاء علوم دین* در چندین شهر آن ناحیه مثل قرطبه، المریه و بلنسیه طعمهٔ حریق می‌شود. آن هم به دستور فرمانروایی مسلمان و به فتوای فقیه مالکی آن دیار.

در این جستار درصدد هستیم تا رفتار دو گانه اندلسیان را با *احیاء علوم‌الدین* امام محمد غزالی نشان دهیم. گروهی چندان به غزالی و احیاء او ارادت داشتند که می‌گفتند: «کاد الاحیاء أن یکون قرآنا» و یا «بِعَ اللّٰحِیَۃِ وَ اشْتَرَّ الْاِحْیَاءُ» (ابن العربی، ۱۴۰۶، ص ۵۴) و گروهی از فقیهان اندلس مانند قاضی شهر قرطبه: محمد بن علی بن عبدالعزیز بن حمدین التغلبی فتوای سوزاندن احیاء را صادر می‌کردند. (همان)

#### ۱.۴. اهمیت احیاء علوم دین:

معمولاً نویسندگان بزرگ جهان با یکی از آثارشان، مشهور و معروف می‌شوند. از همین رو *احیاء علوم دین* یعنی غزالی و غزالی یعنی *احیاء علوم دین* و به سبب همین کتاب است که او را مجدد دین خوانده‌اند و یگانه حجة الاسلام اهل سنت.<sup>۱</sup> عنوانی که در طول تاریخ پانزده قرن اسلامی تنها به چند نفر اطلاق شده است و مبرزترین آنها غزالی بوده است، چه به اندازه‌ای که این کتاب در جهان اسلامی تاثیرگذار بوده است، کمتر اثر مجدد دین اثرگذار بوده است. تا آن جا که گفته‌اند: «در تاریخ تفکر اسلامی عنوان این کتاب مبدل به یک سرمشق و یک طرح (project) دینی شده است و هر بار که متفکران بزرگ اسلامی از مولوی تا ملاصدرا به دنبال احیای علوم دین برآمده‌اند به این کتاب نظر داشته‌اند؛ به ویژه در غرب عالم اسلام یعنی اندلس، ابومدین اندلسی و ابن عربی». (پازوکی، ۱۳۸۸، ص ۱) چه این کتاب مستطاب را به این دلیل می‌نویسد که علوم حقیقی دین اعم از فقه، علم، توحید، حکمت در روزگار او از معانی‌ای مقصود سلف صالح در

۱. برای عناوین غزالی مانند زین‌الدین، امام، البحر، اعجوبة الزمان، محجة‌الدین، حجة الاسلام، مجدد قرن پنجم، زنده‌کننده علوم دین، امام ائمة دین ر. ک: الذهبی، ۱۴۲۵: ۱۲/۱۸۶؛ ۱۴۲۴: ۱۱/۲۸؛ السبکی: ۱۹۱/۶.

سدهٔ نخست خالی و منشاء فراموشی علوم دین شده است و یا به تصریح او «آنچه سلف صالح بر آن بوده‌اند و حق - سبحانه و تعالی - آن را در تنزیل رحمانی و منشور آسمانی فقه، حکمت، علم و ضیاء و نور هدایت و رشد خوانده است در میان خلق مدروس و مطوی گشته است و از دل‌های ایشان مطموس و منسی مانده و چون این حادثه دین را رخنه‌ای در حصار و ظلمتی در ابصار بود، تحریر این کتاب به جهت دفع این قلمکاری بس مهم داشتم تا علوم دین احیاء پذیرد و مناہج ائمهٔ گذشته ظاهر شود و روشن گردد که انبیاء و سلف کدام علم‌ها را علم نافع شمرده‌اند و آن را بر چهار ربع اساس نهادم: ربع عبادات، ربع عادات، ربع مهلکات و ربع منجیات». (غزالی، ۱۳۶۴، ص ۱۷) لذا دست به نگارش این کتاب می‌زند تا معانی حقیقی این الفاظ که ارکان فهم دین هستند، احیاء کند.

تصلب فکری و تعصب شدید برخی فقیهان و مفتیان اندلس و تأثیر اینان بر حاکمان دولت مرا بطین موجب شد تا علی بن یوسف بن تاشفین فرمانروای را واداشت تا دستور سوزاندن کتاب *احیاء علوم الدین* را در سال ۵۰۳ دو سال پیش از وفات غزالی صادر کند، آن هم به دلیل واهی وجود برخی احادیث ضعیف یا مجعول، میان اندیشه‌های صوفیانه و حمله به علما و فقه‌هایی که علم و دین را دستاویز خواهش‌های دنیایی و مقام و مال کرده‌اند. بر شمردن ویژگی‌های هر یک در *احیاء* و شاید همین امر موجب دشمنی اصلی فقها متصلب آن دیار علیه غزالی باشد.

فقها و علمای دین اندلس را در واکنش به غزالی به دو دسته: موافقان و مخالفان می‌توان تقسیم کرد. دستهٔ مخالفان او نیز به دو گروه قابل تقسیم هستند: گروهی که حمله‌های تنیدی علیه او کردند و بر او ایرادهای جدی گرفتند در *احیاء* و همهٔ آثار، اندیشه‌ها و افکار او را انکار کردند، مانند ابن حمدین که به شدت بر غزالی تاختند و نظرات او را یکسر کفر دانستند؛ اما گروه دیگر مانند قاضی عیاض و ابن صلاح به رده‌گیری او بسنده کردند. در مقابل این گروه معاند غزالی، گروهی فقیهان بودند که گرایش‌های صوفیانه داشتند و به دفاع از غزالی برخاستند از جمله ابن قسی و ابن تومرت به

مخالفت با معاندان غزالی برخاستند و جنبش‌های سیاسی راه انداختند و تحت عنوان قیام ابن قیسی و دعوت ابن تومرت بازگشت به آثار غزالی را تبلیغ می‌کردند و با به قدرت رسیدن موحدین غائله منکران و معاندان غزالی به انجام رسید.

#### ۲.۴. مخالفان احیاء:

پس از آنکه غزالی به درخواست ابن‌العربی و پسرش در بغداد با فتوای فقهی خویش اقدامات یوسف بن تاشفین را در برابر ملوک الطوائف اندلس تأیید کرد و او را مطیع خلیفه عباسی، المستظهر دانست (ابن‌العربی، ۱۴۰۹، ص ۱۴۶) و یوسف نیز از فتوای غزالی استقبال کرد و به مذهب وی گروید و به اختلاف او با فقیهان مالکی آن دیار وقعی نهاد. تعصب و تصلب آنان موجب طرح انتقادهای تندی علیه/احیاء علوم دینی شد که به تازگی به اندلس رسیده بود؛ اما یوسف در سال ۵۰۰ هجری درگذشت و پسرش علی به جای وی نشست. او به دلیل پیوند نزدیکی که با فقیهان آن دیار داشت، تابع مذهب عموم مردم مغرب و اندلس شد و از علمای فروع آنجا حمایت کرد، علمایی که علم کلام را تقبیح می‌کردند. از همین رو با/احیاء علوم دین که با دیدگاه‌هایشان در تضاد بود، به مخالفت سرسختانه‌ای برخاستند. (السبکی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۵۶-۲۴۰؛ الذهبی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۹-۶۶) ابو عبدالله محمد بن علی حمدین به همراه تنی چند از فقهای اندلس بر فساد کتاب هم‌داستان شدند و حاکم مرابط آن منطقه را بر آن داشتند تا دستور داد کتاب احیاء را به روغن آغشته جلوی در غربی مسجد قرطبه در انظار فقیهان و بزرگان شهر مانند ابن‌حمدین بسوزانند. (المراکشی، ۱۴۲۶، ص ۱۵۳؛ السلاوی، ۱۹۵۴، ج ۲، ص ۷۴)

غائله شوم و شنیع احیاء سوزی به شهر قرطبه منحصر نشد؛ بلکه این فعل شنیع در دیگر شهرهای اندلس مانند المرّیه نیز تکرار شد؛ (السبکی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۱۷) چه امیرالمسلمین در فرمانی تصریح کرده بود اگر کتابی از کتاب‌های غزالی را نزد کسی بیابند، خون او را خواهند ریخت و اموالش را مصادره خواهند کرد. (الذهبی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۶۷۳) البته در نامه علی بن یوسف به بلاد اندلس و مغرب تنها به سوزاندن احیاء تصریح شده بود؛ ولی مخالفان غزالی به این امر بسنده نکردند و همه کتاب‌های غزالی را

سوزانند. (المراکشی، ۱۴۲۶، ص ۱۵۴) سیاست سوزاندن کتاب‌های غزالی طی دوره مرابطین ادامه داشت و این عمل سوء در زمان حکمرانی تاشفین بن علی با صدور فرمانی به بلنسیه دنبال شد. (عنان، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۵)

همه مخالفت و معاندت فقهای مالکی اندلس و مغرب با غزالی و احیای وی از آن رو بود که اینان اهل فروع بودند و مانند ظاهریان، احادیث را مطابق ظاهر معنی می‌کردند و هیچ‌گونه تعلیل و تأویلی را نه در آیات و نه در احادیث و نه در سخنان صوفیه، بر نمی‌تافتند. مخالفت آنان با غزالی بیشتر به دلیل همین ظاهرگرایی‌شان بود و پرهیزشان از تأویل و نیز گرایش غزالی به تصوف؛ چه اینان با تصوف دشمنی شدیدی داشتند. طروشوی، یکی از بزرگ‌ترین فقیهان آن دیار، مفاهیم تصوف را دلیل ضعف غزالی می‌دانست. (الذهبی، ۱۴۲۵، ج ۱۱، ص ۶۹-۶۶؛ الذهبی، ۱۴۲۴، ج ۱۲، ص ۱۹۵-۱۹۳) طروشوی در نامه‌ای به حاکم وقت می‌نویسد غزالی در کتاب *احیاء علوم دین* از روش صوفیان پیروی کرده و نسبت‌های دروغ بسیاری به پیامبر (ص) داده است که آن را باید سوزانید. سوزاندن آن را مشابه سوزاندن مصحف‌هایی می‌داند که با مصحف عثمان اختلاف داشتند. (همان) البته سبکی ضمن آنکه این نامه را نقل می‌کند به نقد آن هم می‌پردازد و از تصوف غزالی نیز دفاع می‌کند. (السبکی، ۱۴۱۳، ص ۲۵۲-۲۴۱)

از دیگر مخالفان سرسخت و مشهور غزالی در اندلس باید از ابو عبدالله محمد بن علی مازری یاد کرد. او چندان در مذهب مالکی تعصب داشت که به بهانه وجود احادیث ضعیف و بدون سند در *احیاء* به مخالفت با غزالی برخاست و در رد و انکار غزالی کتابی با عنوان *الكشف و الإنباء عن کتاب الاحیاء تألیف کرد*. (الذهبی، ۱۴۲۵، ج ۱۱، ص ۶۶؛ السبکی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۴۰) هم‌چنین باید از قاضی عیاض نام برد که اگرچه از شاگردان غزالی بود لیک از مخالفان سرسخت غزالی در خطه اندلس به شمار می‌رفت. (الذهبی، ۱۴۲۴، ج ۱۲، ص ۱۹۵)

## ۳.۴. موافقان احیاء

غائلهٔ احیاء سوزی حدود سی سال به طول انجامید و موجب شد این کتاب هم در اندلس و هم در مغرب عربی کمیاب شود؛ ولی در همان زمان نیز علما و دانشمندانی بودند که از آثار و اندیشه‌های غزالی دفاع و طرف‌داری می‌کردند. (پاک، ۱۳۸۱، ص ۴۴) در این جا فهرست‌وار به سرشناس‌ترین مدافعان و طرفداران غزالی اشاره می‌کنم:

۱. محمد بن عبدالله بن‌العربی‌المعافری که در بغداد کتاب احیاء را از غزالی سماع کرد. (ابن‌العربی، ۱۴۰۹، ص ۲۴)؛
۲. ابوالفضل یوسف بن محمد بن یوسف ابن‌النحوی از مخافان سر سخت سوزاندن کتاب احیاء بود، از همین رو در فاس با این دستور مخالفت کرد و فتوایی در رد آن صادر کرد. خود کتاب احیاء را در سی جزء نوشت و در ماه مبارک رمضان هر روز یک جزء آن را می‌خواند. (السلوی، ۱۹۵۴، ج ۲، ص ۷۵-۷۴)؛
۳. ابوعلی بن محمد جزامی برجی از مدافعان و معتقدان پرآوازهٔ بود و دستور داد هر کس در سوزاندن احیاء نقشی داشته باشد، باید قیمت کتاب را بپردازد تا ادب شود. (الذهبی، ۱۴۲۵، ج ۱۱، ص ۲۲۳)؛
۴. ابن‌عریف صوفی مشهور اندلس که تحت تأثیر احیاء کتاب محاسن‌المجالس خویش را نوشت؛
۵. ابن‌برجان که به غزالی اندلس مشهور است و علی بن یوسف، او و ابن‌عریف را از ترس اقدام به قتل به ابن‌تومرت کشت. (الذهبی، ۱۴۲۴، ج ۱۲، ص ۷۴-۷۳)؛
۶. ابن‌قسّی از حامیان مشهور غزالی بود و قید منع تدریس احیاء را در اندلس برداشت و خود در اشپیلیه به تدریس احیاء پرداخت و جنبشی علیه مرابطن راه انداخت. (المراکشی، ۱۴۲۶، ص ۱۵۹)؛
۷. ابن‌تومرت مهم‌ترین حامی غزالی در غرب جهان اسلام بود که ادیبه‌های غزالی بر وی تأثیر زیادی نهاد؛ چندان که به تبلیغ مذهب اشعری در میان بربرها در مغرب عربی پرداخت، البته با تکیه بر آثار غزالی. (عنان، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۶۵)



## نتیجه

از آن چه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت:

۱. اگرچه رفتار خصمانه مرابطین با/حیاء علوم دین غزالی برای حفظ، بقا، قوام و دوام حکومتی بود که به حمایت غزالی بنا شده بود؛ اما از قضا سرکنگبین صفرا فزود و این همه باعث نابودی ساختار سیاسی آن شد و احیاء سوزی بیش از آنکه مایه قوام آنان شود، باعث فنای آنان شد؛
۲. و نیز ثابت شد که اندیشه‌های متعالی مانند مفاهیم عرفانی و عقلانی پیوسته چون شعله زنده و فزاینده هستند، هرچند برخی بخواهند آنها را در جدول افلیج و شل خویش تنگ بیفشند؛
۳. با به قدرت رسیدن دولت موحدین که خود نتیجه واکنشی بود که برخی اهل علم نسبت به احیاء سوزی مرابطین از خود نشان دادند، در روزگار آنان فلاسفه و صوفیه بزرگی در اندلس ظهور کردند. به دلیل وجود همین بزرگان علم و تصوف بود که احیاء علوم دین حکم کاغذ زر پیدا کرد و تحت تأثیر اندیش‌های غزالی و به ویژه کتاب/حیاء وی عرفان بزرگ و صاحب نامی چون ابن طریف، ابن عربی و ابن سبعین پدیدار شدند؛
۴. امام محمد غزالی در تاریخ فلسفه اسلامی به دلیل اختلاف فقیهان، فیلسوفان و صوفیان در باره او صاحب منزلتی بس بلند است. این اختلاف درباره پایگان غزالی میان فلاسفه، صوفیه و فقهاء در تاریخ اندیشه اسلامی خود دلیل بر حضور بسیار قوی او در سپهر اندیشه اسلامی دارد تا آن جا که مشهورترین معرضان و مخالفان فکری وی مانند ابن رشد هم از تأثیر او بر کنار نمانده‌اند؛ چه غزالی دستگاه فلسفی خویش را به تمامی بر متن دین بنا نهاد، درست بر خلاف ابن رشد که دستگاه فلسفی فکری و فلسفی خود را بر متن فلسفی یونانی بنا گذاشت؛
۵. غزالی که بر عقل و دل تکیه دارد هم متکلم نقل و هم فیلسوف عقل و هم صوفی قلب است. او بر خلاف دانشمندان اسلامی که عظامی هستند، فردی عصامی است؛ چه در فلسفه و کلام و تصوف کمتر عاریت کسی را قبول می کند. از همین رو چشم و گوش

جهان را پر کرده و به تعبیری «مالی الدنيا و شاغل الناس» شده است؛ چه به قولی این یگانه حجة الاسلام تاریخ اسلام با حلاوت مقال خود از دین حنیفی دفاع و از محروسه دین اسلام حمایت کرده است و لبه شمشیرش را به خون منکران و معاندان دین نیالوده است. (حمو، ۲۰۱۲، ص ۲۴)

۶. غزالی جمع تناقض‌هاست و شخصیتی چند بعدی است؛ چه ابن تیمیه که به چشم قبول به کلام، فلسفه، تصوف و تأویل نمی‌نگرد، در برخی آثار غزالی تنها اقوال صابئه و فلاسفه را می‌بیند، علی‌رغم آن که به عضویت علمی وی معترف است. ابن سبعین صوفی نیز در کتاب خویش *بآء العارف بضاعت* غزالی را در علوم قدیمه را سست‌تر از تار عنکبوت می‌داند. (همان، ص ۲۵) و طرطوشی نیز غزالی را با چشم‌های سرخ از غضب تصویر می‌کند و او را اهل ضلالت می‌داند که قریباً از دین خارج می‌شود. (همان، ص ۲۶)

کتاب *احیاء علوم دین* در میان آثار بسیار غزالی که حکم کتابخانهٔ مستقلی را دارند، مانند *دایرةالمعارف* است. چندان که برخی گفته‌اند فقط همین کتاب می‌توانست از او پیامبری بسازد و هم چنین حکم ققنوس را داشته است؛ چه در روزگار مرابطین این پرنده یگانه را به فتوای برخی فقیهان متعصب مالکی می‌سوزانند و اندکی بعد در روزگار موحدین از خاکستر آن ققنوس سر برمی‌دارد و جهانی را تا امروز به خود مشغول می‌کند، چندان که در رمانی در کنار ابن رشد شخصیتی درجه اول می‌شود و در شهر نیویورک ایفای نقش می‌کند.

## منابع

- ابن العربي المعافري، محمد بن عبدالله. (١٤٠٦)، قانون التأويل، تحقيق محمد السليمانى، جده: دارالقبلة للثقافة الاسلاميه.
- أدونيس. (٢٠٠٥)، المحيط الاسود، بيروت: دارالساقى.
- پازوكى، شهرام. (١٣٨٨)، احياء علوم الدين غزالى و ضرورت احياء آن در روزگار ما، فصلنامه جاويدان خرد، شماره ٤، ص ٣٧-٤٩.
- پاك، محمدرضا. (١٣٨١)، تحول اندیشه های كلامى و فلسفى در عهد موحدين، فصلنامه تاريخ اسلام، شماره ١٢، تابستان، ص ٧٤-٤١.
- الحزيمى، ناصر. (٢٠٠٣)، حرق الكتب فى تراث العربى، بغداد: منشورات الجمل.
- حمو، محمد أيت. (٢٠١٢)، العقل الحجاجى بين الغزالى و ابن الرشد، بيروت: جداول.
- الذهبى، شمس الدين محمد بن احمد. (١٤٢٤)، تاريخ الاسلام، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت: دارالغرب الاسلامى.
- \_\_\_\_\_ . (١٤٢٥)، سير اعلام النبلاء، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه.
- روحى، عليرضا؛ غفرانى، على. (١٣٩٥)، رويارويى دانشمندان مغرب و اندلس با غزالى و احياء علوم دين، فصلنامه مطالعات تاريخى جهان اسلام، بهار و تابستان، ص ١٥٣-١٢٥.
- السبكى، تاج الدين عبدالوهاب بن على. (١٤١٣)، طبقات الشافعيه الكبرى، تحقيق محمد الطناجى و عبدالفتاح محمد الحلو، دارالاحياء للكتب العربيه.
- السلواى، شهاب الدين احمد بن خالد. (١٩٥٤)، الاستقصاء لأخبار دول المغرب الأقصى، تحقيق جعفر الناصرى، دارالبيضاء: دارالكتب.

- علی، طارق. (٢٠١١)، *ظلال شجرۃ الرّمان*، ترجمہ محمد عبدالنبی، القاہرہ: الکتب خان للنشر والتوزیع.
- عنان، محمد عبداللہ. (١٤٠٦)، *دولتہ الإسلام فی الأندلس*، القاہرہ: مکتبۃ الخانجی.
- غزالی، ابو حامد محمد. (١٣٦٤)، *احیاء علوم دین*، ربیع عبادات، ترجمہ مؤید الدین محمد خوارزمی، بہ کوشش حسین خدیو جم، تہران: انتشارات علمی و فرہنگی.
- المراکشی، عبد الواحد بن علی. (١٤٢٦)، *المعجب فی تلخیص أخبار المغرب من لدن فتح الأندلس إلى آخر عصر الموحدين*، تحقیق صلاح الدین الہواری بیروت: المکتبۃ العصریة.
- المنونی، محمد. (١٩٨٨)، *احیاء علوم الدین فی منظور الغرب الاسلامی ایام المرابطين و الموحدين*، ندوة ابو حامد الغزالی دراسات فی فکرہ و عصرہ و تاثيرہ، منشورات کلیة الآداب و العلوم الانسانیہ بالرباط جامعۃ محمد الخامس، ص ١٤٥-١٣٥.

پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی